

اعدام، آموزش و “وولگاریزاسیون” خشونت است

فرهنگ قاسمی



وظیفه ما این است که افکار عمومی ایران را متقاعد سازیم که مجازات اعدام اثری بر روی کاهش بزهکاری آن ندارد یک قانون عقب افتاده ای بیش نیست. در یک جامعه مدرن انسان محور و حقوق اولیه و طبیعی او بالا ترین ارزش و منزلت را دارد حق حیات در مرتبه اول این حقوق قرار دارد و باید بی هیچ بهانه ای این حق توسط حاکمیت و جامعه محترم شمرده شوند.

اظهار نظر درباره مسائل اجتماعی به ویژه مسئله با اهمیت لغو حکم اعدام نمی‌تواند و نباید بدون کنشگری فعال و بیان دیدگاه‌های سیاسی انجام پذیرفت، چرا که دفاع از حقوق انسانی موقعی ارزش پیدا می‌کند که به همراه ارائه راه حل و چشم‌انداز روشن سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی و اقتصادی از یک سو و عمل‌گرائی از سوی دیگر نیز باشد.

بنابراین از حاضرین در این نشست اجازه می‌خواهم برخی از مشخصات جامعه‌ای که من خواهان آن در میهنمان هستم را در ابتدای سخنانم بیان کنم. من طرفدار گذار از جمهوری اسلامی می‌باشم و اعتقاد به برقراری یک جامعه سوسیال دموکرات، لائیک و طرفدار جدایی دین و دولت و مدافع رفع هرگونه تبعیض در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، زبانی، دینی و مذهبی دارم. در جهت رعایت همه آزادی‌های فردی و اجتماعی و حاکمیت ملت و حفظ تمامیت ارضی کشور و با

احترام به منشور جهانی حقوق بشر فعالیت می‌کنم. از این مقدمه که بگذریم وظیفه خود می‌دانم از برگزارکنندگان این نشست سپاسگزاری کنم. از اظهارات خانم‌ها و آقایانی که در زمینه لغو حکم اعدام مطلب ارائه دادند به سهم خود استفاده کردم و با تمام علاقه‌ای به بیانات دیگر سخن‌گویان گوش فرا خواهم داد.

ترویج و توده ای کردن خشونت

همان‌طور که ملاحظه فرموده اید موضوع سخنرانی بنده "اعدام، آموزش و "ولگاریزاسیون" خشونت است" پس لزوم پیدا می‌کنند چند کلامی در مورد "ولگاریزاسیون" و خشونت صحبت کنم.

در مورد استفاده از کلمه لاتین "ولگاریزاسیون" بسیار تردید داشتم اما متأسفانه کلمه دیگری پیدا نکردم که به اندازه کافی پاسخ‌گوی اثرات شرایطی باشد که با اعدام‌های متداول توسط جمهوری اسلامی در جامعه ما صورت می‌گیرد.

در فرهنگ فرانسه به فارسی اثر بروخیم فعل vulgariser به عمومیت دادن و رواج دادن و صفت آن، واژه vulgaire به معنای عامیانه، عوامانه و معمولی ترجمه شده است.

"Vulgarisation" " به مفهوم ترویج و اشاعه دادن رفتار و کرداری در جامعه و در اختیار توده مردم قرار دادن آن است.

خشونت از نظر لغوی به معنای درشتی، ناهمواری، تندخویی، بی‌رحمی است (دهخدا). خشونت حالتی از رفتار و کردار است که فرد یا گروه رسمی یا غیر رسمی، به زور و اجبار به دیگران تحمیل می‌کند. هرگونه کردار و رفتاری که با هدف وارد نمودن آسیب به دیگران صورت گیرد رفتار خشونت‌آمیز خوانده می‌شود. رفتار خشونت‌آمیز می‌تواند در سطح آگاهانه یا ناآگاهانه صورت گیرد خشونت می‌تواند مشروعیت خود را از یک نظام حکومتی، یک ایدئولوژی یا دین آداب و رسوم و سنت کسب کند.

خشونت یکی از پدیده‌های تأسفبار جامعه بشری به شمار می‌آید که تبیین تاریخی آن کار ساده نمی‌باشد. اما مسلم است که خشونت همواره در رابطه تنگاتنگ با اختلافات و کشمکش‌های و درگیری‌های اجتماعی و تداوم آن‌ها بوده است. خشونت زاییده کمبود منطق و نبود فرهنگ گفتگو و تساهل و وجود تبعیض است.

درک خشونت به رابطهٔ قابلیت درجه مقاومت قربانی در برابر خشونت گرو وابسته است. ماهیت رفتاری که در یک جامعه خشونت خوانده می‌شود ممکن است در جامعه‌ای دیگر امری عادی تلقی شود. میزان و وسیله تشخیص و ادراک این رفتار در رابطه با شناخت افراد آن جامعه از حقوق جهان‌شمول خود می‌باشد.

خشونت صفت حیوانی انسان است که اگر تعدیل پیدا نکند و اداره نشود می‌تواند یک انسان را به خطرناک‌ترین حیوانات تبدیل کند. انسان به

طور طبیعی به اندازه تمایلات تهاجمی و خشونت‌آمیز در عین حال دارای مکانیسم‌های طبیعی بسیاری برای پرهیز از خشونت دارد مانند مشارکت، مقاومت در مقابل درگیری پرهیز از غرور و افتخارات و تبعیضات.

مرکز بهداشت جهانی (WHO) خشونت را تحت عنوان «استفادهٔ عامدانه از نیروی جسمی یا قدرت، به صورت تهدید آمیز یا واقعی، علیه خود، دیگری یا گروه یا جامعه‌ای، که موجب آسیب، مرگ، آسیب روانی، عقب افتادگی رشد یا محرومیت می‌شود یا احتمال این رخدادها را بسیار بالا می‌برد» می‌داند.

تمامی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان که خواهان جامعه‌ای سالم، انسانی و رشد یافته هستند، صدور و اجرای حکم اعدام و آن هم به صورت علنی را نه تنها مانع ارتکاب تبهکاری‌های بیشتر نمی‌دانند، بلکه این نوع مجازات را از جمله موجب افزایش خشونت و جنایت در جامعه دانسته و معتقدند اجرای حکم اعدام موجب گسسته شدن پیوند های اخلاقی، روحی و روانی اجتماع می‌شود.

اعمال خشونت در نظام جمهوری اسلامی بر اساس قوانین اسلامی و به ویژه بر مبنای نظریه ولایت فقیه روشی عام برای پاسخ‌گویی به هر معضل و مشکلی است و اعدام فعالین سیاسی و مخالف نظام، حتی فروشندگان موادمخدر نیز در نظام حاکم بامجازات اعدام پاسخ پیدا می‌کند.

حکم اعدام غایت خشونت است

صدور و اجرای حکم اعدام غایت خشونت و تعصب و خام‌گرائی جامعه بشریت محسوب می‌شود. بسیاری از جوامع بشری از قرن‌ها پیش کوشش کرده اند این مجازات نا عادلانه از بین برود به طور مثال اعتراضات نسبت به حکم اعدام در فرانسه از نیمهٔ دوم قرن هیجدهم آغاز گردید، مراحل بسیاری را طی کرد ویکتور هوگو در سال ۱۸۲۹ میلادی مسئله ممنوع شدن اعدام در ملاءعام را مطرح می‌کند. سال‌ها می‌گذرد تا این مطالبه فراگیر و همگانی شود. امروز به جز چند کشور اسلامی اجرای حکم اعدام در ملاءعام قدغن شده است.

در فرانسه با وجود این‌که است نیمه دوم قرن هیجدهم فعالیت‌هایی برای لغو حکم اعدام انجام گرفت اما ثمره آن بالاخره در سال ۱۹۸۱ لایحه لغو حکم اعدام به تصویب رسید گفته می‌شود امروز در بیش از ۱۴۰ کشور جهان صدور حکم اعدام قدغن شده است. اما در بسیاری دیگر از کشورها به ویژه کشورهای مسلمان این مجازات وجود دارد و اجرا

می‌گردد.

متأسفانه جوامع بشری برای به دست آوردن و اعمال قدرت و تحمیل دین و مذهب و ایدئولوژی توسط مستبدین و دیکتاتورها، همین طور بنا بر مستندات تاریخی، غالباً، در روند انقلابات اجتماعی همواره از خشونت و جنگ و اعدام استفاده کرده اند. در دین اسلام قصاص به عنوان یکی از عقب مانده ترین ابزار ترمیم بی‌عدالتی به شمار می‌رود که متعلق به زندگی قبیله‌ای ۱۴ قرن پیش می‌باشد در حالی که از نظر تحقیقات علمی به اثبات رسیده است که حکم اعدام نه تنها جنایتی را ترمیم یا پاک نمی‌کند بکه بدون تردید به ویژه به شکلی که در جوامع اسلامی اعمال می‌شود باعث آموزش و اشاعه وسیع و حرفه ای "vulgarisation" طاعون خشونت در جامعه انسانی می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران یکی از نظام‌هایی به شمار می‌رود که با اتکا به قوانین اسلامی در اجرای این جنایت سر شده است.

با وجود اینکه مخالفت با حکم اعدام از فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی به دور نبوده است، اما اقدامی توسط گروهی است فعالان سیاسی و اجتماعی و روشن‌فکران ایرانی «لغو گام به گام اعدام» در مخالفت با حکم اعدام انجام شد و مورد حمایت بسیاری از میهمان قرار گرفت قابل تقدیر و لازم است که در این جا به همت امضاکنندگان اولیه ارج گذاشت. اما نباید فراموش کرد که لغو حکم اعدام در رابطه مستقیم با گذار از جمهوری اسلامی قرار دارد. بنابراین شعار و مبارزه و ابتکار عمل برای لغو حکم اعدام را همانند گذار جمهوری اسلامی باید در اولویت قرار داد. اگر کسانی گمان می‌برند که این کار را می‌توان و بایستی بدون اتلاف وقت و به سرعت انجام داد هیچ دلیل منطقی و علمی وجود ندارد که در شرایط کنونی جامعه ایران با روش گام به گام آن مخالفت کنند.

دست یازیدن به مجازات اعدام از نظر من نه تنها تجاوز به حق حیات انسان‌هاست همین طور به مثابه شکست منطق و ضعف جامعه انسانی در آموزش و پرورش نسل‌های آینده محسوب می‌شود. شکست منطق انسانی چیزی غیر از شکست انسانیت نیست شاید برای همین باشد که "ربر بدانتر" Bedinter Robert وزیر دادگستری دولت سوسیالیست فرانسه که لایحه لغو حکم اعدام را به مجلس ارائه داد می‌گوید "حکم اعدام یک شکست برای انسانیت است، حافظ جامعه بشری نیست، شرافت آن را زیر پا می‌گذارد"

مجازات اعدام ترویج خشونت و عادی سازی مرگ است

مجازات اعدام در ۱۴۰ کشور جهان لغو شده است. نام ایران در میان ۲۱ کشوری قرار دارد که نه تنها این مجازات در آن اجرا می‌شود، بلکه در اغلب مواقع در ملاءعام نیز اجرا می‌شود.

امروز، جمهوری اسلامی ایران از نظر تعداد اعدام شده گان در رده دوم جهان قرار دارد. چهار کشور ایران، سومالی، کره شمالی و عربستان کشورهای هستند که اکنون احکام مجازات از جمله اعدام را در ملاءعام اجرا می‌کنند. تفاوت ایران با این سه کشور در این است که ایران در سال ۱۳۵۴ میثاق بین المللی مدنی و سیاسی را امضا کرده و متعهد به اجرای آن است. این میثاق بین المللی اجرای اعدام در ملاءعام و منظر عمومی را منع کرده است اما ایران با وجود اینکه متعهد به اجرای مفاد این میثاق بین المللی است آن را زیر پا گذاشته می‌گذارد.

- هیچ فردی از مادر جانی یا گناهکار به دنیا نمی‌آید. اگر جرم و جنایتی از برخی سر میزند جامعه و حاکمیت در این امر بی‌تقصیر نیستند. پس این وظیفه سیستم اداره کننده جامعه است که از تولید افراد گناهکار با بکارگیری آموزش و پرورش درست جلوگیری کند و اگر این جلوگیری به اندازه کافی مفید واقع نشد وسائل اصلاح و تادیب آنها را در چهارچوب رعایت احترام به حقوق انسانی او فراهم آورد.

- با نگاهی به ارقام و آمار موجود و به تعداد اعدام‌ها و زندانیان می‌بینیم که در سه دهه اخیر نه تنها از شدت این جنه و جنایت کاسته نشده است بلکه جامعه ما بیش از هر زمان دیگری با پدیده بزهکاری، قاچاق فساد و دزدی و آدمکشی و تجاوز به حقوق مردم مواجه است

- تمام کسانی‌که در زنجیره اجرای حکم اعدام قرار دارند به ویژه جلاد در شمار قربانیان جامعه انسانی محسوب می‌گردند. کشتن یک انسان بوسیله یک انسان دیگر یعنی فردی که مجازات اعدام را اجراء میکند و در اصطلاح جلاد نامیده میشود بدون تردید از نظر روانی در او تاثیر منفی میگذارد و اثرات آن او را از خلیقات انسانی دور می‌کند و رفتار نسبت به اطرافیان نمی‌تواند در جامعه بی‌تاثیر باشد این اثرات بی‌تردید در بازتولید شکنجه و جنایت نقش بازی میکنند .

- وقتی حکم اعدام در مورد فردی اجراء میشود اطرافیان اعدامی دچار ضربه روانی و آشفتگی میشوند : اگر پدری را اعدام می‌کنند پدر ، مادر، زن، فرزندان، خواهر، برادر و نزدیکان او نیز مورد بی‌عدالتی قرار می‌گیرند. گاهی این بی‌عدالتی میتواند تاثیرات بسیار ناگواری در بازماندگان او داشته باشد. پس اعدام یک فرد در واقع

میتواند دهها نفر دیگر از اعضاء خانواده و نزدیکان او را آزار دهد. چه کسی باید جبران این اقدام نا عادلانه و غیر انسانی را در مورد نزدیکان یک اعدامی بکند؟

- جمهوری اسلامی در ردیف اول کشورهای است که در ملاءعام اعدام می کند. تخمین زده می شود در ایران به صورت متوسط در هر هفت ساعت یک نفر را با بیرحمی تمام با جرثقیل به دار می کشند. عادی شدن این جنایات بسیار نگران کننده است زیرا مجازات اعدام حساسیت جامعه را در مورد اعمال خشونت کاهش می دهد و خشونت را به پدیده ای عادی تبدیل می کند.

- مجازات اعدام بر روح و روان افراد و سلامت روانی جامعه اثرات منفی می گذارد و از بین بردن آن ها به راحتی میسر نیست. در جامعه ما روز به روز خشونت از نظر کیفی و کمی بیشتر می شود و ناامنی در آن گسترده تر می گردد. آیا این خود دلیل بر بی اعتبار بودن اعدام ها به هدف تقلیل جنایات نیست؟ آیا حاکی است آن نمی باشد که مجازات اعدام نه تنها بازدارنده نیست بلکه ترویج کننده خشونت نیز هست؟

شواهد زیادی وجود دارد که تماشا کردن تفریحی مردم عامی به اجرای حکم اعدام، در تبلیغاتی که در اطراف آن از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال می شود، این تئاتر در حقیقت تبدیل به کلاس های آموزشی این پدیده در جامعه شده است. پدران و مادران با فرزندان خردسال خود در میدان های اجرای حکم اعدام حاضر می شوند نمونه ای از آن که در مطبوعات انتشار یافته به قرار زیر است: پدری، فرزند خردسالش را به دوش کشیده تا صحنه اعدام را از دست ندهد. برخی با در دست داشتن تلفن همراه، صحنه اعدام را ضبط می کنند. چند نفر تخمه می خورند و می خندند. خودروی پزشکی قانونی مخصوص حمل جسد در گوشه ای توقف کرده است. طناب قرمز رنگ دار از سوی یکی از ماموران به قلاب جرثقیل متصل می شود. سرانجام پس از گذشت مدتی، صوت قرآن در لابه لای صحنه و شیون خانواده فرد محکوم به اعدام گم می شود. تماشاچیان، نزدیک به ۱۰ دقیقه جسد آویزان در میانه زمین و آسمان را نظاره می کنند.

این روش آموزش خشونت در مواردی تبدیل به سرگرمی های کودکانی می شود که در اینجا دو نمونه آن را از مطبوعات جمهوری اسلامی ذکر می کنیم:

مهر ماه امسال، پس از انتشار خبر اعدام یک شهروند کُرد به نام رئوف مصطفایی در جوانرود و انتشار خبر و صحنه های مربوط به آن در

رسانه‌های دولتی ایران، مهران یوسفی، کودکی هشت ساله ساکن روستای کوچک کلاش لولم در شهرستان جوانرود کرمانشاه تصمیم گرفت همراه با چند تن از هم بازی‌هایش «بازی اعدام» را تمرین کند. آن کودک هشت ساله هنگام بازی و تکرار حالت اعدام با هم‌بازی‌هایش جان خود را از دست داد.

روز جمعه ۱۷ آبان ماه تنها یک ماه پس در پی اعدام‌هایی که در تارنمای محلی پخش شد دو فیشوری در زندان «عادل آباد» شیراز، کودکی هفت ساله به نام محمد (مروان) آشوبی، در یک بازی کودکانه، با استفاده از طنابی که در گوشه حیاط خانه برای خشکاندن رخت آویزان بود با قرار دادن ماشین اسباب بازی در زیر پایش، از طناب رختشویی آویزان شد و در پی حرکت ماشین اسباب بازی در زیر پایش، دچار خفگی شد و جان خود را از دست داد.

این حوادث نمونه‌های بارز آموزش و ترویج خشونت توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

وظیفه ما

هر روز خشونت این رژیم نسبت به شهروندانش بیش از پیش میشود .

امروز بیش از هزار و سیصد زندانی دیگر که توسط همین دادگاه های اسلامی به مرگ محکوم شده اند در راهرو های مرگ در انتظار اعدام هستند .

زمان آن فرارسیده است که ماشین اعدام ها در ایران هر چه زودتر متوقف شود و احکام صادر شده باطل گردند. ما باید دست در دست برای لغو حکم اعدام در ایران کوشش کرده و به رژیم جمهوری اسلامی ایران هشدار دهیم تا از اقدامات نا عادلانه خود دست برداشته اعدام انسانها را تعطیل سازد

وظیفه ما این است که افکار عمومی ایران را متقاعد سازیم که مجازات اعدام اثری بر روی کاهش بزهکاری آن ندارد یک قانون عقب افتاده ای بیش نیست. در یک جامعه مدرن انسان محور و حقوق اولیه و طبیعی او بالا ترین ارزش و منزلت را دارد حق حیات در مرتبه اول این حقوق قرار دارد و باید بی هیچ بهانه ای این حق توسط حاکمیت و جامعه محترم شمرده شوند.

عدم مبارزه عاجل با حکم اعدام خود به شکلی تسلیم شدن در برابر

آموزش و پرورش خشونت و سرکوب روحیات انسانی و مهر و ملامفتی است که در فرهنگ ایرانی وجود دارد و حکم اعدام مشروعیت دادن و توافق و تفاهم با گسترش و ترویج خشونت در جامعه است که می‌تواند به مرور زمان فرهنگ خشونت در جامعه نهادینه سازد .

یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۲ - ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴